

بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی

در روستای سلخ جزیره قشم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۳۰)

بنیامین انصاری نسب^۱

چکیده

آیین نوروز دریا را اهالی قشم در آغاز ماه صیادی جشن می‌گیرند. در این روز که با پایکوبی همراه است، مردم از همه جای ایران برای دیدن نمایش شوشی و رقص عصوا به روستای سلخ قشم می‌آیند. مردم سلخ در این روز از خوردن ماهی امتناع می‌کنند. همچنین با اعمالی مانند زدن گِل سرخ به در خانه، گیاهان و حیوانات، آداب این روز را به جا می‌آورند. این آیین مانند سایر مراسم در حال فراموشی است. سلخ امروز تنها منطقه‌ای در هرمزگان است که در آن جشن نوروز دریا برگزار می‌شود. داده‌های مقاله حاضر با روش مشاهده میدانی و از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، فراهم آمده است. در این جستار، ضمن پرداختن به تاریخچه این آیین و چگونگی اجرای مراسم و مراحل آن، به تحلیل ساختار مناسکی آیین نوروز دریا و ارزش و ارتباط آن با اسطوره پرداخته شده و اهمیت تداوم برگزاری نوروز دریا در جامعه مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: آیین‌های دریایی، نوروز دریایی، مناسک، جشن، هرمزگان، قشم

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی فرهنگی و پژوهشگر فرهنگ هرمزگان. رایانامه: ben.ansari.n@gmail.com

۱. مقدمه

در سواحل و بنادر خلیج فارس بین دریانوردان باسابقه، کشتکاران آفتاب سوخته و دریانوردان کارکشته، علاوه بر تقویم عادی که در تمام کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، تقویم‌های زراعی، دریایی و سهیلی نیز معمول است که سابقه آن به زمان‌های دور برمی‌گردد. به طور معمول، ضوابط، مقررات و خصوصیات این تقویم‌ها، سینه به سینه از ناخدایان باتجربه و قدیمی، به دریانوردان و کشاورزان جوان‌تر و تازه‌کار منتقل شده است.

جالب است که بدانیم برای هر یک از این زمان‌ها، یکی از حروف الفبا در نظر گرفته شده است و درباره این نام‌گذاری در صفحه اول تقویم آمده است: حرف «ب» نشانه نوروژ بحری (دریایی) است که وقت سفرهای دریایی را با آن تنظیم کنند، حرف «ز» نشانه نوروژ زراعی است که کشاورزان، حساب کشت و کار خود را بر اساس آن معلوم سازند و حرف «س» نشانه نوروژ سهیلی است که حساب بادها و باران‌های موسمی، بر آن نهاده‌اند. (نوربخش، ۱۳۷۶: ۹۴)

نوربخش به نقل از مرحوم حسین وحیدی خنجی، صاحب تقویم وحیدی و از دریانوردان بندرلنگه و بندرکُنگ، درباره نوروژ دریایی می‌نویسد: «حساب^۱ نوروژ بیشتر بین دریانوردان خلیج فارس و دریای عمان، معمول و مرسوم بوده است. اولین روز نوروژ دریایی، مصادف با روز اول ماه «اوت» میلادی و روز دهم مردادماه و آخرین روز آن، برابر با سی و یکم ژوئیه^۲ و نهم مردادماه می‌باشد». (همان)

دریانوردان باهوش ایرانی در زمان‌های بسیار دور، برای مسافرت در دریاها و اقیانوس‌ها، نوعی تقویم دریایی را ابداع کرده‌اند که از نوآوری‌های بسیار جالب و منحصر به فرد دریانوردان کشور ما محسوب می‌شود. این دریانوردان برای آغاز سفرهای دریایی خود که اغلب بیش از ۹ ماه در سال به طول می‌انجامید، از «تقویم دریایی» یا «حساب نوروژ دریایی» استفاده می‌کردند و بیشتر مواقع، مسافرت خود را از

۱. نوروژ دریایی حدوداً یک سال است.

۲. ژوئیه

بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم ❖ ۵۹

روز اول نوروز دریایی، که دریا آرام‌تر از مواقع دیگر است و یا رفته رفته رو به آرامش می‌گذارد، شروع می‌کردند و با استفاده از زمان‌های دقیق تقویم دریایی، سفر مطمئن و امیدبخشی را در پیش می‌گرفتند.

باید گفت که نوروز دریایی هنوز در بین دریانوردان خلیج فارس، دریای سرخ، دریای عمان و حتی بنادر هند و پاکستان متداول و رایج است. نوروز دریایی دارای ۳۶۵ روز، سه فصل ۱۰۰ روزه و یک فصل ۶۵ روزه است و اولین روز این تقویم، یعنی نوروز آن، بنا به نوشته اسماعیل رائین، از نهم مرداد ماه و به اعتقاد اهالی لنگه و کنگه؛ همچنین برابر تقویم وحیدی، از دهم مرداد ماه آغاز می‌شود. (رائین، ۱۳۵۶: ۵۰۳)

گفتنی است؛ بهار دریا، عبارت از صد روز اول نوروز دریایی است که از نهم یا دهم مرداد ماه آغاز می‌شود و تا هفدهم یا هجدهم آبان ماه خاتمه می‌یابد. این صد روز برای دریانوردان، دریاورزان و همه کسانی که با دریا سروکار دارند، در حکم بهار است و به بهار دریا شهرت دارد. چرا که در این ایام، دریا ۶۵ روز پرآشوب را پشت سر گذاشته است و به آرامش و سکون دارد؛ به اصطلاح دریانوردان خلیج فارس، دریا «خواهر» یعنی مهربان و با محبت شده و برای کشتی‌های بادبانی، فصل مناسبی برای آغاز مسافرت در خلیج فارس، دریای سرخ، دریای عمان و حتی آفریقا یا چین است.

۲. پیشینه پژوهش

حساب نوروز دریایی با سابقه‌ای به قدمت تاریخ کشورمان، مختص ایرانیان است؛ حتی در حال حاضر نیز دریانوردان قدیمی کم و بیش با حساب و یا تقویم نوروز دریایی آشنایی دارند و سفرهای خود را بر اساس آن آغاز می‌کنند. دریانوردان بنادر هند و پاکستان نیز در روز اول سال دریایی، نارگیل و موز به دریا می‌ریزند و به این ترتیب، آغاز سال دریایی را جشن می‌گیرند و آرزو می‌کنند که سالی آرام و خوب در پیش داشته باشند. (نوریخس، ۱۳۷۶: ۹۵)

از آغاز نوروز دریایی، به طور محسوس، طغیان آب دریاها کمتر می‌شود و شدت باد نیز کاهش می‌یابد. دریانوردان باتجربه و قدیمی خلیج فارس، از روی حساب نوروز دریایی، به پیش‌بینی آرامش دریا، ورزش بادهای شدید یا باران‌های موسمی می‌پردازند

۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

و با توجه به زمان‌های وزش باد یا توفان و بارندگی، وقت مناسب را برای مسافرت دریایی خود انتخاب می‌کنند. اسماعیل رائین درباره اساس و ریشه نوروز دریایی می‌نویسد:

«دانش نجوم و ستاره‌شناسی یکی از فنون مورد نیاز دریانوردان باستان بوده است. نمی‌دانیم که دریانوردان، تقویم مخصوص دریایی مدون داشته‌اند یا نه؟ اما اکنون دریانوردان خلیج فارس تقویم محلی مخصوص دارند که آغاز آن روز نهم مرداد (۳۱ ژوئیه) هر سال است. به کار بردن کلمه نوروز در این تقویم، ما را بر آن می‌دارد تا بگوییم: از روزگاری که نوروز در ایران متداول شده، نوروز دریایی نیز در بین ناورانان و ناخدایان معمول گشته است.» (رائین، ۱۳۵۶: ۵۰۵)

او همچنین درباره تعیین روز نهم مرداد به عنوان روز اول نوروز دریایی، می‌نویسد: «طی تحقیقاتی که در بنادر جنوب به عمل آمد، بدین نکته واقف شدیم که روز آغاز نوروز دریا، درست همزمان با روز پایان یافتن توفان‌های بسیار شدید ۶۰ روزه - ۱۱ خرداد تا ۹ مرداد - است که طی سه قرن اخیر که انگلیسی‌ها در هند مستقر بودند، آن را (جون جولای) نامیده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که پس از فرونشستن طوفان‌های ۶۰ روزه و آغاز کار دریا را شروع سال نو قرار داده‌اند و دریانوردان ایرانی آن را (نوروز) یعنی روز آغاز فصل زندگی دریایی و حرکت بر آب‌های ژرف دریاها نقاط مختلف دانسته‌اند.» (همان: ۵۰۶)

محمدعلی خان بندرعباسی، معروف به سدیدالسلطنه کبابی نیز نوروز دریایی را به ایرانیان نسبت می‌دهد و معتقد است که اعراب، حساب دریا را از پارسیان گرفته‌اند. وی می‌نویسد: «دریانوردان تازی حساب دریا را هم از پارسیان مأخوذ داشته و اول سال خود نوروز دریا را در اول فروردین ماه قدیم گذاشته‌اند. حال که سنوات قمری به هزار و سیصد و چهل و چهار رسیده است، اول فروردین ماه قدیمی، هجدهم برج اسد و بیست و سوم مرداد جلالی، روز دهم اوت فرنگی و ابتدای نوروز دریا بوده است.» (بندرعباسی به نقل از اقتداری، ۱۳۸۱: ۳۵)

دکتر اقتداری درباره واژه «نیروز» که ابن ماجد در کتاب «الفوائد» خود به کار برده است، می‌نویسد: «نیروز کلمه فارسی است، یعنی نوروز و توضیح نویسنده نیز مبین آن

۶۱ ❖ بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم

است که نیروز، اولین روز تقویم دریایی است. یعنی اولین روز آغاز حرکت و فعالیت دریایی در موسم مناسب و اولین روز سال دریایی. امروز هم نزد دریانوردان خلیج فارس، آن را (نوروز دریا) می‌گویند و بنابر تحقیق مرحوم محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی مینابی، در اواسط تابستان آغاز (نوروز) بوده است. (اقتداری، ۱۳۷۵: ۱۳۲ به نقل از نوربخش، ۱۳۷۶: ۱۰۱)

۳. بحث و بررسی

۳-۱. فصل‌های چهارگانه نوروز دریایی

«دریانوردان و کشاورزان، نوروزهای سه‌گانه دریایی، کشاورزی و سهیلی را به چهار فصل، شامل سه فصل یکصد روزه و یک فصل شصت و پنج روزه تقسیم می‌کنند، فصل‌های صد روزه نیز خود، به ده قسمت ده روزه، تقسیم و به این ترتیب مشخص می‌شوند:

۱. ده روز اول: روز اول تا دهم هر ماه به ترتیب «یک در ده»، «دو در ده»، «سه در ده»، «چهار در ده»، تا «نه در ده» و در نهایت، روز دهم «دهی» یا به اصطلاح محلی بندر کنگ «غلگ‌دهی^۱» نامیده می‌شود.

۲. نیم در دهی: پنج روز از ده روز یاد شده را «نیم در دهی» و در نیمه ده روزهای بعدی، نیم در بیستی، نیم در سی و الی آخر... می‌گویند.

۳. ده روز دوم: برای شمارش ده روز دوم به ترتیب یک در بیست، دو در بیست، سه در بیست تا نه در بیست و در نهایت، «سی^۲» یا «غلگ سی» گفته می‌شود.

۴. روزهای بعدی: این شماره‌ها تا نود و نهمین روز از یک صد روز اول یعنی «نود در نود و نه» ادامه دارند و در نهایت به «صد» می‌رسند. صد روز دوم و سوم و شصت و پنج روز آخر نیز به همین ترتیب شمارش می‌شوند تا سال به پایان برسد. (نوربخش، ۱۳۵۸: ۲۰۶-۲۰۳)

1. qelagdahi

2. si

۶۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

اسماعیل راین همه جا نوروز دریایی را ۳۶۰ روز و اولین روز آن را نهم مرداد اعلام کرده است. او درباره خصوصیات این تقویم می‌نویسد: «در بنادر دیر^۱، طاهری (سیراف)، بستانه، کنگ و لنگه که سابقه ساکنان آن در کار دریانوردی، کشتی‌سازی و مسافرت به دریاها از سایر بنادر بیشتر است، سال دریایی را سیصد و شصت روز حساب می‌کنند. آنان سال را به سه صد روز و یک شصت روز تقسیم می‌کنند.» (راین، ۱۳۵۶: ۵۱۰-۵۰۵)

صد روز اول: از نهم مرداد آغاز می‌شود و تا هفدهم آبان خاتمه می‌یابد. این صد روز برای دریانوردان در حکم (بهار دریا) و فصل آغاز مسافرت به اقیانوس هند، بحر احمر، سواحل آفریقا و حتی سواحل چین است.

صد روز دوم: از هجدهم آبان آغاز می‌شود و تا بیست و هفتم بهمن ماه پایان می‌پذیرد. سواحل شمالی خلیج فارس و حتی نزدیک به ثلث عرض خلیج در این منطقه که عمق نود متری در آن واقع شده، دستخوش انقلابات جوی می‌شود، ولی با وجود این، دریانوردان ایرانی خلیج فارس، با شجاعت و شهامت فراوان در این فصل نیز به دریا می‌روند.

صد روز سوم: در صد روز سوم که از بیست و هشتم بهمن آغاز می‌شود و تا چهارم خرداد خاتمه می‌پذیرد، چند انقلاب هوا و توفان دریایی روی می‌دهد و دریانوردان در این فصل، از رفتن به دریا پرهیز می‌کنند.

شصت روز آخر: در شصت روز آخر سال (دریایی) که از پنجم خرداد آغاز می‌شود و تا سوم مرداد خاتمه می‌یابد، خلیج فارس و بحر عمان با انقلابات شدید دریایی اقیانوس هند مصادف است، رفتن به دریا به کلی ممنوع است و ناخدایان و صاحبان کشتی‌ها با کشیدن آنها به خشکی، به تعمیر کشتی و استراحت می‌پردازند.

۲-۳. نوروز دریا در روستای سلخ قشم

روستای سلخ به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مراکز ماهیگیری قشم شناخته می‌شود؛ به طوری که نام آن را از عبارت مسلخ به معنای محلی برای پوست کردن انتخاب

۱. از بنادر مهم بوشهر

بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم ❖ ۶۲

کرده‌اند؛ در دوره‌ای این روستا، محل اختصاصی کوسه‌نهنگ‌های عظیم‌الجثه‌ای بوده است که در زبان محلی به آنها کولی‌کر^۱ می‌گویند. برای صید این کوسه‌نهنگ‌ها به چندین نفر نیروی ورزیده نیاز است. بیشتر مردان روستا به شغل صیادی اشتغال دارند. بعد از ممنوعیت صید کولی‌کر به دلیل رو به انقراض بودن و کمبود آن در آب‌های خلیج فارس، مردان سلخی همچنان به صیادی و امرار معاش ادامه دادند اما نه برای صید کولی‌کر بلکه برای به دام انداختن ماهیان کوچک‌تر و فروش یا معامله پایاپای آنها برای رفع نیازهای زندگی. بنابراین، دریا و صیادی برای این مردم از اولویت‌های اصلی زندگی به شمار می‌رود و نوروز صیادی، جشنی برای یادآوری پیوند بین دریا و مردم است.

در قدیم مردم سلخ در این روز به همراه حیواناتشان به دریا می‌رفتند و در خانه‌هایشان را گلک^۲ (خاک سرخ) می‌کشیدند و لباس نو می‌پوشیدند. همچنین کسی از دریا صید نمی‌کرد و همگی اهالی روستا موظف بودند که گوشت بخورند. اما در ده سال گذشته که دهیاری سلخ فعال شده است، با هدف رونق و جلب گردشگر، بیشتر برای موارد دیگری مانند مسابقات شنا، طناب‌کشی، دو میدانی، بازی‌های محلی و ... تبلیغ و برنامه‌ریزی می‌کنند. از همین رو، طی سال‌های اخیر، توجه به این مراسم کمتر شده است اما همچنان در روز نوروز، مردم به گلک‌زدن به سر و پیشانی حیوانات (تصویر ۱) یا تنه نخل و درختان میوه می‌پردازند و بر روی در خانه‌ها «یا الله» می‌نویسند. بی‌سوادان نیز علامتی مانند دایره یا ضربدر روی در می‌گذارند و با این کار ورود روز و سال جدید صیادی را اعلام می‌کنند. در گذشته، اهالی بندرعباس در ایام عید نوروز نیز مراسم گلک‌زنی را برگزار می‌کردند.

-
1. kolikar
 2. gelak



تصویر ۱. مردم سلخ در حال گلکزدن به سر و پیشانی حیوانات (صالحی، ۱۳۸۸: ۳۹)

بعد از گلکزدن به حیوانات، نوبت به لوبند^۱ (دهان‌بند) کردن آنها می‌رسد. این عمل را ملای مخصوصی انجام می‌دهد، به این ترتیب که ابتدا سوره، آیات و دعاهایی را می‌خواند و سپس روی گردن هر حیوان طنابی را گره می‌زند. اهالی معتقدند که با انجام این عمل در طول سال حیوان‌هایشان از گزند درندگان محفوظ خواهند ماند. تمامی این برنامه‌ها، صبح روز نوز اجرا می‌شود و بعد از ظهر، به مراسم عصوا^۲ یا عصوا^۳ (تصویر ۲) و سپس نمایش شوشی اختصاص می‌یابد.



تصویر ۲. مراسم عصوا
(عکاس مؤلف، ۱۳۹۳/۵/۲۵)

1. loband
2. azvâ
3. asvâ

بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم ❖ ۶۵

۳-۳. مراسم نمایشی شوشی

مراسم نمایشی شوشی از قدیم در مراسم عروسی که با جفتی همراه بود برگزار می‌شد و امروزه برای اینکه فراموش نشود در این روز به نمایش درمی‌آید. بازیگران این نمایش عروسکی، عبارت از روباه، شتر و ساریان، مرغ دریایی و خود شوشی هستند. شوشی فردی است بدوی که در کوه بوده و شهر را به چشم ندیده. او هیبتی عجیب دارد، با لباسی سیاه و صورتی سفیدشده با آرد و ریشی که از سیس‌مغ^۱ درست شده است. کلاهی نیز از پیش‌مغ^۲ بافته‌شده به سر دارد. (تصویر ۳)



تصویر ۳. نمایش شوشی؛ عکس از محمد بارکار (سایت شخصی محمد بارکار: ۱۳۹۸)

شوشی با شنیدن صدای شادی مردم و اشعار عصوا به طرف صدا می‌آید و با عصبانیت به هر کس سر راهش قرار گیرد با شاخه نخلی (پیش‌مغ) که در دست دارد، ضربه می‌زند. در پایان مراسم عروسی نیز همه چیز خود را می‌بخشد: شاخه‌ای را که در دست دارد، به مادر داماد، کلاهش را به ملای مسجد و عبایش را به مؤذن می‌دهد. بعد از بخشش چیزهایش به دریا می‌رود و استحمام می‌کند. در نهایت، آن چهره عجیب به یک آدم عادی تبدیل می‌شود و مراسم پایان می‌یابد. بهرام بیضایی درباره ریشه نمایش

۱. sise moq: الیاف توری مانند درخت خرما

۲. piše moq: برگ درخت خرما

معتقد است: «در دوره صفویه که سفرهای تجارتي بازرگانان ایران از راه دریای عمان در جنوب به هند فراوان شد، بسیاری مسافران ایرانی در هند بازی‌های عروسکی آن دیار را دیدند و پسندیدند و برخی عروسک‌های آنها را با خود به جنوب ایران آوردند.» (بیضایی، ۱۳۹۲: ۹۵) به مرور زمان این بازی‌ها از حالت هندی خارج شد و داستان، چهره و لباس آنها با امکانات منطقه، شکلی بومی و تازه‌ای پیدا کرد. به لحاظ چهره‌پردازی، شوشی، شباهت‌های بسیاری با نمایش کوسه‌گلین یا کوسه‌برنشین و نمایش‌هایی از این دست در شهرها دارد. (تصویر ۴)



تصویر ۴. نمایش کوسه‌برنشین (مختاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۳)

برای مثال، در مراسم کوسه‌ناقالدی استان مرکزی، فردی که نقش کوسه را پذیرا می‌شد، جبه‌ای بلند را وارونه بر تن می‌کرد و زنگوله‌هایی به آن می‌آویخت. علاوه بر آن، زنگوله‌های فلزی ریزی را نیز به دستان و زانوان خود متصل می‌کرد و فردی هم که نقش کوسه را داشت صورت خود را سفید رنگ می‌کرد و یک تکه پوست بزغاله روی سر خود می‌گذاشت و در آن سوراخ‌هایی برای چشم و نفس کشیدن ایجاد می‌کرد. (پایگاه اطلاع‌رسانی همشهری آنلاین: ۱۳۹۹)

در مورد نام شوشی باید گفت که شمشاد از درختان مقدس نزد مردم ایران است و بنیان‌های کهن این تقدس، به باورهای توتیمیک می‌رسد. «شمشاد را در زبان‌های بومی

بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم ❖ ۶۷

شمال ایران (گیلان و مازندران) با نام‌هایی چون شیش^۱، شوش^۲ و ... می‌شناسند. آنگاه که به خاطر آوریم شمشاد نماد ایزد و الهه آب و باروری است، بر اهمیت این نام وقوفی افزون‌تر خواهیم یافت. بویژه آنکه آگاهیم یکی از معابد «آناهیتا» در شهر «شوش» قرار دارد. از این رو، می‌توان دریافت که نام محلی درخت شمشاد در زبان‌های بومی شمال ایران به روشنی با ایزد و الهه آب یعنی آناهیتا مربوط است. بر این اساس گزیدن درخت شمشاد (شاخه آن) برای بارور ساختن و سبزتر نمودن خزانه شالیزار بی‌گمان یادآور ایزد آناهیتا می‌باشد. به تعبیر دیگر، عنصری آیینی که به الهه باروری و آب منسوب است در خزانه شالیزار نهاده می‌شود تا خزانه آباد و بارورتر گردد.» (حسن‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۱)

اما با نگاهی به یکی دیگر از آیین‌های مردم شمال ایران که «لال شوش‌زنی» نام دارد، دلایل افزون‌تری برای تحلیل آیین مورد بحث خواهیم داشت. در این رسم، شخصی که او را لال‌مار (در کوچک‌سرای شاهی)، لال‌شیش (در بابل و داراب‌کلا) و لال‌شوش (در تنکابن) می‌نامند؛ وارد خانه‌ها می‌شود و با ترکه‌ای که در دست دارد و به آن شیش می‌گویند، ضربه‌ای به ساکنان خانه می‌زند. باور بر این است که هر کس را شوشی بزند، تا سال دیگر مریض نمی‌شود.

به سراغ زنان نازا، حیوانات نازا، دختران شوهرنکرده و درختان بی‌میوه می‌رود و با ترکه، به آنها ضربه‌ای می‌زند. کسی ضامن آنها می‌شود و ضمانت می‌کند که آنها بارور شوند. (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۱-۱۱۰) در این میان، چند عنصر مهم در ساخت آیینی رسم مزبور مشاهده می‌شود: شخص با نهادن دستمال بر سر، خود را به صورت یک زن می‌آراید. او «لال» است یا «سخن» نمی‌گوید، از شیش (ترکه‌ای) بهره می‌جوید و تنها به سراغ موجودات نازا، سترون و عقیم می‌رود. این شیش یا ترکه، ما را به یاد نماد درخت در هرمزگان که آن هم شاخه میوه‌ای چون نخل است و خود نماد زایش تلقی می‌شود، می‌اندازد. آنان این زدن را موجب شگون و تندرستی می‌دانند.

1. šiš

2. šuš

۶۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

حال این پرسش مطرح می‌شود که چگونه آیینی از شمال، به جنوبی‌ترین نقطه کشور راه یافته است؟ این امر نیاز به پژوهش و بررسی‌های بیشتر و جداگانه دارد اما می‌توان یکی از ریشه‌های این انتقال فرهنگی را در روند ترجمه بینا فرهنگی دانست. «ترجمه یعنی زندگی در مرز بینا فرهنگی، به شگفتی‌های دیگری نگریستن، آنها را برگرداندن، از آن خود کردن، خودی کردن، راه دادن و در همان حال، راه ندادن، برقرار کردن ارتباط، پس میل به اشتراک در رمزگان و فهم متقابل و در همان حال، متفاوت باقی ماندن، میل به هویت‌یابی که ناشی از کارکرد ایدئولوژیکی فرهنگ است. با وجود آنکه عملکرد ایدئولوژیکی فرهنگ پیوسته مایل است فرهنگ خودی را قائم‌به‌ذات، فی‌نفسه، ازلی و عین حقیقت انسانی تعریف کند و پیوسته، دیگری هیولاشی را برای اثبات این مدعا به داستان بکشد و حتی درون را نیز به قلمروهای خردتر خودی و غیر خودی تقسیم کند و غیر خودی داخلی را همچون عامل آن نافرنگ به تصویر بکشد» (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۴۸). بنابراین، در فرایند عمل ترجمه بینا فرهنگی است که فرهنگ‌ها پویایی خود را حفظ می‌کنند. حال در پاسخ به پرسش یادشده باید گفت؛ برخی شوشی را بدعت فردی به نام احمدان که از اربابان روستای کورزین^۱ بوده، می‌دانند. یکی از نوه‌های دختری احمدان (قرسو، ۱۳۸۶: ۷۵) اظهار می‌دارد که جدش بسیار اهل سفر بوده و به شهرهای بزرگ بسیاری مانند تهران سفر کرده است. بسیاری از اهالی بومی و از جمله نوه خود احمدان می‌گویند که او این بازی را جاهای دیگر دیده و چون خیلی خوشش آمده، تصمیم گرفته که آن را در روستای خود بر پا کند شوشی برای نخستین بار، در کورزین و کم‌کم، در روستاهای اطراف مرسوم شده و هر کس، آب و رنگ خاص خودش را به آن زده است. برای مثال، قدیم‌ترها چلچراغ درست می‌کردند، ولی بعدها به جای آن با وسایل دیگری بازی کردند. اصل بازی همین بوده که امروز اجرا می‌شود، با این تفاوت که قدیم‌ها سه شب آخر عروسی، شوشی بر پا می‌کردند و حالا فقط در یک شب خلاصه شده است. اما یکی از بازیگران نقش شوشی (همان: ۷۹) اصلش را مال سلخ می‌داند و

۱. روستای کورزین یکی از روستاهای شهرستان قشم است که در فاصله ۶۰ کیلومتری از شهر قشم و تقریباً در وسط جزیره واقع شده است. به طوری که از شمال به شهر لافت از جنوب شرق به روستای تنبان و از جنوب غربی با روستای دهخدا همسایه است.

۶۹ ❖ بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم

می‌گویند که قدیم‌ها در زمان جوانی‌اش شنیده‌اند نامی، بازی شوشی را از سلخ به روستای کورزین برده و در آنجا به جای درست کردن شتر، اسب ساخته‌اند، وگرنه اصل شوشی مال سلخی‌ها بوده و از قدیم بر پا می‌شده است. (همان: ۹۲) به این ترتیب، شوشی با برخی از مراسم شمال کشور، مانند کوسه‌گلین، کوسه‌برنشین، لال‌شوش و بسیاری از رسوم سایر شهرستان‌های ایران مشابهت دارد و به نظر می‌رسد که خاستگاه واژه شوش، شمال کشور و معنی آن، ترکه نازک درخت باشد.

۳-۴. ساختار مناسکی آیین نوروز دریا

ساختار مناسکی آیین نوروز دریا را می‌توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد: توت‌م، ارزش مناسکی و ساختار اسطوره‌ای.

- توت‌م

توت‌م به نقش شعارهای خانوادگی در بین ملت‌های متمدن شباهت دارد. نقشی که هر کس آن را با خود دارد تا نشان دهد که هویت خانوادگی وی چیست. «ریشه واقعی کلمه توت‌م نیز که از واژه dodaim گرفته شده، همین را ثابت می‌کند. این واژه به معنای ده یا محل اقامت گروه خانوادگی است». (دورکیم، ۱۳۹۳: ۱۵۴) توت‌م (خواه حیوانی، خواه گیاهی) اصل و نیای گروه انسانی، برآورنده خواست‌ها و نیازها و هدف پرستش و پاسداری است؛ در عین حال، نمودار نام و نسب گروه نیز هست. دورکیم معتقد است که توت‌م پیش از هر چیز، یک نماد است؛ یعنی بیانی مادی از برخی چیزهای دیگر، اما از چه چیزی؟ وی پاسخ می‌دهد: «بر اساس تحلیل‌ها، روشن است که توت‌م دو دسته متفاوت از اشیا را به نمایش می‌گذارد: نخست، توت‌م شکل برون‌ی و مشهود آن چیزی است که ما آن را اصل توت‌می یا خدا نامیده‌ایم. اما آن شیء نماد یک جامعه معین نیز هست که کلان نامیده می‌شود. دوم، توت‌م پرچم کلان و علامتی است که هر کلان خود را توسط آن از سایر کلان‌ها متمایز می‌سازد. مردم معتقدند که روح افراد، هنگام خواب و رویا موقتاً از بدن خارج می‌شود و هنگام مرگ، بدن را کاملاً رها می‌کند. نزد ایشان ارواح دارای شکل، احساسات و عواطف و صاحب قوه اراده و قصداند. به گمان این

۷۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مردم، روان نیاکان می‌تواند در زندگی زندگان و سرنوشت فرزندان و نوادگانشان مؤثر افتد و به آنان که دوست دارد یاری رساند و از دشمنان خویش، انتقام بگیرد. به همین جهت است که در میان اکثر جوامع بدوی، به آیین نیایش نیاکان برمی‌خوریم، آیینی که هدف آن، انگیختن مهر و دور کردن قهر ارواح نیاکان بوده است. آنگاه که وحدت انسان و طبیعت از میان می‌رود و هستی به دو بخش، جسمانی یا زمینی و روحانی یا آسمانی تقسیم می‌شود، هر گروه اجتماعی که پیش از این، خود را وابسته به نیروی طبیعت و زاده جانوران می‌دانست، برای خود بنیادی آسمانی قائل می‌شود و به جای ساختن توتم یعنی پیکر جانور یا گیاه یا چیزی بی‌جان که اصل گروه به شمار می‌رود، درصدد تجسم وجود فرضی خدایان و شیاطین برمی‌آید و بت می‌سازد. بشر در اسلوب ادراک مذهبی و دریافت خود از جهان، اقتدار مطلق را به خدایان وامی‌گذارد بی‌آنکه به‌طور کامل از آن چشم‌پوشد، زیرا این اختیار را برای خود محفوظ می‌دارد که خدایان را تحت تأثیر قرار دهد تا مطابق میل او عمل کنند». (همان: ۱۶۳-۱۵۷)

آیین نوروز صیاد در میان مردم جزیره سلخ، آیینی دیرپاست که در آن می‌توان سه نوع توتم را قبل از اجرای مراسم شوشی مشاهده کرد: اول، گلک‌زدن به حیوانات، نخل و در خانه‌ها، دوم، لُوبَند کردن حیوانات و سوم، تطهیر با آب دریا.

از زمانی که بشر به زندگی کشاورزی روی آورد و دریافت که نور و حرارت خورشید سبب باروری زمین و پرورش گیاهان یا گرم کردن و نیرو بخشیدن به انسان می‌شود، خورشید به جای ماه ستایش شد. خورشید با گرما و نور خود در روز باعث نابودی دیوها و پلیدی‌ها می‌شد و مظهر گرما، نور، خشکی و تابستان بود. از گل‌ها و گیاهان، نیلوفر آبی (لوتوس) و گل آفتابگردان و از درختان، نخل و سرو و کاج، نمادهای خورشید هستند. از عناصر، آتش، از رنگ‌ها سرخ و زرد و از فلزات طلا را منسوب به خورشید می‌دانند. شکل هندسی مربوط به خورشید نیز دایره است. (افشار مهاجر، ۱۳۷۹: ۵۴)

رنگ قرمز گلک، نشانی از اوج رنگ‌هاست و معانی دیگر «شکل دایره یا ضربدر بر روی در خانه‌ها مظهر خورشید و همه ایزدان جنگ، فعال، آتش، خورشید، سلطنت، عشق، لذت، جشن و سرور، رنج، شوق، انرژی، درنده‌خویی، تهییج جنسی، مشعل یا

بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم ❖ ۷۱

آتش عروسی، سلامتی، قدرت، خون، شهوت خونریزی، گناه خونین، خشم، انتقام، شهادت، بردباری، ایمان، عزت نفس هستند» (آیزمن، ۱۳۹۵: ۲۲). زدن رنگ یا گذاشتن لک قرمز، نشان تجدید حیات است و به طور معمول، برای نشان دادن نیروی فوق طبیعی، مقدس، یا شمسی، ایزدان قرمز تصویر می‌شوند. گلک‌زدن در نوروز صیاد، دلالت بر حضور دوباره خورشید و گرما دارد که شروع فصل جدیدی را نوید می‌دهد. این عمل، نمادی از عبور فصل زمستان و ورود به فصل تابستان است و در میان اسطوره‌های آیینی، ارزش اجتماعی برابر با تولدی دوباره و فصلی دیگر دارد، براساس این دیدگاه اسطوره‌ای، چیزهایی که برای شخص مهم‌اند، با علامت‌گذاری در حمایت خورشید درآورده می‌شوند؛ مانند رنگ زدن در خانه برای حمایت از خانواده. و البته کسی هم که امور زندگی‌اش از دامپروری و کشاورزی می‌گذرد و حمایت از حیوانات و درختانش را مهم‌ترین چیز بعد از خانواده می‌داند، با علامت‌گذاری، آنان را در حمایت ایزد خورشید درمی‌آورد.

لوبند کردن با بیان کلمه یا کلام، خود عملی برای حفظ حیوانات و گیاهان خانگی از درندگان و آفات است. زیرا گفتار، ضرب‌آهنگ یا وزن معینی دارد و به همین دلیل نیز دارای قدرتی افسانه‌ای است. دعا هم واجد همین قدرت است زیرا اراده‌ها را چون حلقه‌های زنجیر به هم می‌پیوندد و به تبعیت از اندیشه‌ای یگانه وامی‌دارد. «دعای بشر معمولاً مطابق با طبیعت است. انسان دعای نزول باران را در مواقع خشکی می‌خواند، یا در مواقع تاریکی خواهان روشنایی است اما به طور حتم بعد از تاریکی روشنایی خواهد آمد ولی از آنجایی که او، احتیاجات خود را ضمن دعا خواسته است و بنابراین مقررات طبیعی قهراً موجود می‌گردد، بنابراین انسان نتیجه می‌گیرد اثر اجرای امر، در دعا موجود بوده است.» (معین، ۱۳۳۸: ۵۲) آریاییان تصور می‌کردند که با دعاهایشان خدایان را یاری می‌کنند، آنان معتقد بودند در دعا یا در بعضی کلمات و الفاظ، قدرتی نهفته است که خدایان را مجبور به یاری یا حتی اطاعت می‌کند و انسان را قادر می‌سازد با نیروی خود بر ارواح پلید غالب شود. (همان) اکنون نیز معتقدند این دعاها با قدرتی که در آنها نهفته است، می‌توانند حیوانی را که بر روی آن دعا خوانده شده است، از شر حیوانات درنده محفوظ نگاه دارند.

۷۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سومین توت، تطهیر با آب دریاست، انجام عمل غسل و تطهیر در تمامی ادیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، آیین شستشوی مقدس در کیش الهه‌گان بزرگ باروری و برزیگری صورت می‌گرفته است. (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۹۵) باور مردم سلخ بر این است که تطهیر و فروکردن کامل بدن در آب، باعث دفع شر و وفور نعمت و خیر و برکت در رزق و روزی افراد خواهد شد.

در آب همه چیز حل می‌شود، هر شکلی، مضمحل و منحل و هر تاریخ و سرگذشتی، ملغی می‌گردد. پس از غوطه‌خوردن، هیچ نقش، تصویر، علامت و حادثه‌ای که پیش از این وجود داشته است، باقی نمی‌ماند. فرورفتن در آب، از لحاظ انسانی برابر با مرگ است و از لحاظ کیهانی، معادل فاجعه‌ای مانند طوفان که هرچند گاه یک‌بار، دنیا را در اقیانوس آغازین غرق و نابود می‌کند. آب به دلیل اینکه هر شکل و صورتی را از هم می‌پاشد و هر تاریخ و سرگذشتی را مضمحل می‌کند، دارای قدرت تطهیر و تجدید حیات و نوزایی است زیرا آنچه در آب فرو می‌رود و می‌میرد و آنکه از آب سر بر می‌آورد، چون کودکی بی‌گناه و بی‌سرگذشت است که می‌تواند گیرنده وحی و الهام جدید باشد و زندگانی خاص و نوینی را آغاز کند (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۹۴) از این دیدگاه، تکرار آفرینش کیهانی است و به همین دلیل، مقدس به شمار می‌آید.

- ارزش مناسکی

محرومیت نسبی از صید و نخوردن ماهی در این روز خاص، عهده‌ای است که مردمان روستا از کوچک و بزرگ به آن پایبندند. به پاس قدردانی از نعمات دریا؛ در این روز خاص، صیادی و خوردن ماهی ممنوع است و به جای آن، تمامی اهالی روستا از زن، مرد و کودک به دریا می‌روند و غسل می‌کنند. همچنان که الیاده (۱۳۸۹) از ریشه اسطوره‌ای آب برای تطهیر و از بین بردن گناهان و آغازی دوباره یاد می‌کند، این آغاز شدن دوباره، ارتباط بین مردم و همبستگی اجتماعی را شدت می‌بخشد. به عقیده رادکلیف براون «مردم با رعایت کردن محرومیت‌ها می‌توانند از تبعات منفی آن که در اینجا، عمده‌ترین آن، کمبود صید است در آن سال در امان بمانند. علاوه بر این، بخشی از جامعه‌پذیری نیز محسوب می‌گردد زیرا فرد با رعایت این قانون، با بخش کثیری از

بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم ❖ ۷۳

جامعه همراه می‌شود و این همراهی، خود بخشی از فرایند اجتماعی شدن است.» (همیلتون، ۱۳۸۷: ۱۹۸)

همچنین برای مردمان جامعه امروز، رعایت این مناسک تأیید اجتماعی را به همراه دارد. در واقع این محرومیت نسبی، به رسمیت شناختن الزامات نمادین و اهمیت و اعتبار جشن نوروز دریا را به مردم و کل جامعه نشان می‌دهد. چرا که در این روز، علاوه بر مردم سلخ و سایر روستاهای قشم، از تمامی کشور برای تماشای این مراسم آیینی حضور می‌یابند. به این ترتیب، تابو یادشده، ارزش اجتماعی چنین جشنی را تثبیت و دو چندان می‌کند. از طرفی، نباید از یاد برد که «یکی از کهن‌ترین منع‌ها، بر قاعده اصلی توتمیسم استوار است و آن قاعده این است که حیوان توتم را نباید کشت.» (توسل پناهی، ۱۳۹۱: ۱۸۳) ماهی نیز که از غذاهای اصلی مردم سلخ است، در جایگاه یک توتم قرار می‌گیرد و در این روز خاص خوردن آن جایز شمرده نمی‌شود.

همین محرومیت از صید و توتم خوردن ماهی، این روز خاص را از حالت روزمرگی همیشه جدا می‌کند و به آن حالتی خاص یا شاید مقدس می‌بخشد زیرا در اغلب روزها، ماهی جزء خوراک اصلی این دیار محسوب می‌شود و افراد با نخوردن ماهی، چنین روزی را متمایز می‌کنند؛ به این ترتیب، اگر کسی به خانه فردی برای صرف نهار بیاید و احیاناً خبر نداشته باشد که امروز نوروز دریا است! با دیدن خوراک گوشت متعجب می‌شود و می‌پرسد چه خبر است که گوشت درست کرده‌اید؟! خوراک گوشت که بیشتر در اعیاد و جشن‌ها و مجالس خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد، این روز را خاص و از دیگر روزهای هفته متمایز می‌کند.

- ساختار اسطوره‌ای

اوج نمایش اسطوره‌ها در قسمت شوشی دیده می‌شود، تمامی قدرت‌های خیر (نیکی) و شر (بدی) در کنار نمادی‌های مقدس به چشم می‌خورند؛ نمادهایی که هر کدام تأثیر مستقیمی بر زندگی فردی و اجتماعی مردم دارند. قدرت‌های خیر، مانند گاو و شتر و قدرت‌های شر، مانند روباه و شوشی، همگی در کنار مقدساتی چون گیاه (شاخه نخل) و دریا معنا می‌یابند. شوشی چهره‌اش را با الیاف نخل و کلاهی بافته شده

از همان درخت می‌پوشاند و با در دست داشتن شاخه نخل که نماد قدرت است، به میان مردم می‌آید، او قدرت خود را از اسطوره‌های کهن می‌گیرد. ایاده می‌گوید «درخت به قدرتش و آنچه که متجلی می‌سازد و برتر از درخت است موضوعی مذهبی است. اما این قدرت را نیز نوعی هستی‌شناسی اعتبار می‌بخشد. اگر درخت گرانبار از قدرت‌های قدسی برخوردار است به این خاطر است که عمودی است و می‌بالد و برگ‌هایش می‌ریزند و دوباره می‌رویند و در نتیجه به دفعات بی‌شمار این اعتباربخشی‌ها در مشاهده عرفانی درخت، به عنوان صورت و وجهی از زیست و حیات است. درخت به واسطه قدرتش که واقعیتی مافوق بشر را متجلی می‌سازد (واقعیتی که به شکلی خاص بر بشر ظاهر می‌شود، بر می‌دهد و هر چند گاه تجدید حیات می‌کند) مقدس می‌گردد.» (۱۳۸۹: ۲۶۲) درخت نخل نیز به دلیل قدرت و قانون تجدید حیات، چیزی را تکرار می‌کند که در تجربه کهن، کیهان سراسر همان چیز تلقی می‌شود بنابراین برای وجدان مذهبی کهن‌وش، نخل خود عالم است که آن را تکرار و تخلیص و همزمان، به صورت نمادین تمثیل می‌کند. فرد شوشی با زدن افراد با برگ‌های نخل، در واقع آنان را که بیشتر نیز کودکان هستند، متبرک می‌سازد تا از شر بدی‌ها و بیماری‌ها به دور مانند و عمری دراز همچون نخل داشته باشند. انجام این عمل در نوروز صیاد می‌تواند شباهت و رابطه‌اش را با آنچه در سیزده‌بدر نوروز انجام می‌گیرد، توضیح دهد «روز سیزده‌بدر با در دست گرفتن سبزه‌ها که ساقه نورسته گندم است و گرفتن حاجت در حالی که ساقه گندم در دست قرار دارد از اعمالی است که خیر و برکت می‌آورد و نحوست را از خانه دور می‌کند.» (متین، ۱۳۹۲: ۱۱۲)

قدرت‌های خیر، همچون گاو و شتر، حیواناتی مقدس محسوب می‌شوند که قدرت خود را از این تقدس مذهبی دریافت می‌کنند. «این دو حیوان به دلیل اینکه اغلب نیازهای مردم را به آسانی برطرف می‌سازند، تقدس فراوان یافته‌اند به گونه‌ای که از نخستین جانوران آفریده شده محسوب می‌گردند همچنین در زندگی کشاورزی ادیان مختلف اسطوره‌های فراوانی برای گاو وجود دارد، از اساطیر ودایی - که گاو را برابر زن شمرده‌اند (بهار، ۱۳۷۶: ۱۳۱) - تا اسطوره کهن هند و اروپایی.

بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم ❖ ۷۵

قدرت‌های شر مانند روباه و شوشی، قدرت خود را از نیروهای اهریمنی می‌گیرند و در مقابل قدرت‌های اهورامزدایی قرار دارند. روباه که به عنوان نمادی از مکر و حيله در میان ایرانیان شناخته شده است، سعی در نزدیک شدن به کودکان حاضر در مراسم دارد تا در یک فرصت مناسب ناگهان آن را بغل کند و از محل دور شود. در اغلب موارد، مردم هوشیار، کودک را از دست او نجات می‌دهند و در این حال، روباه روی زمین می‌خوابد و شکل نحیف و ضعیفی به خود می‌گیرد که نشان از مکر و حيله دارد. مرد شوشی نیز با بی‌نظمی و دویدن میان جمع، (به ظاهر) سعی در آشوب و برهم زدن نظم جشن اما پس از فرورفتن و تطهیر در دریا از شرارت بیرون می‌آید. دریا یکی دیگر از مواردی است که قدرت خود را از مقدسات می‌گیرد. در آب همه چیز حل می‌شود، هر شکلی مضمحل و منحل و هر تاریخ و سرگذشتی، ملغی می‌گردد. پس از غوطه خوردن، هیچ نقش، تصویر، علامت و حادثه‌ای که پیش از این وجود داشته است، باقی نمی‌ماند. فرو رفتن در آب، از لحاظ انسانی برابر با مرگ است و از لحاظ کیهانی، معادل فاجعه‌ای مانند طوفان که هر چند یک‌بار، دنیا را در اقیانوس آغازین غرقه و نابود می‌کند. «آب به علت اینکه هر شکل و صورتی را از هم می‌پاشد و هر تاریخ و سرگذشتی را مضمحل می‌کند دارای قدرت تطهیر و تجدید حیات و نوزایی است زیرا آنچه در آب فرو می‌رود و می‌میرد و آنکه از آب سر بر می‌آورد چون کودکی بی‌گناه و بی‌سرگذشت است که می‌تواند گیرنده وحی و الهام جدید باشد و زندگانی خاص نوینی را آغاز کند.» (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۹۴)، بنابراین انجام عمل غسل و تطهیر در تمامی ادیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، آیین شستشوی مقدس در کیش الهه‌گان بزرگ باروری و برزیگری اجرا می‌شده است. باور مردم سلخ بر این است که تطهیر و فروکردن کامل بدن در آب، باعث دفع شر، وفور نعمت و خیر و برکت در رزق و روزی افراد خواهد شد.

۴. جمع‌بندی

آیین نوروز دریا، آیینی دیرپا و قدیمی، متکی بر نوعی پشتوانه ساختار اجتماعی است؛ این آیین به دلیل تعلق به سنت و ساختارهای تغییرناپذیر، عمومی شدن شکلی هماهنگ و غیرقابل اجتناب از آن را موجب شده است. در مقاله حاضر، ابتدا به تشریح

تقویم دریایی، پیشینه نوروز دریایی و بررسی نمایش شوشی در روستای سلخ قشم پرداخته شده و سپس، آیین نوروز دریایی از سه منظر توتم، ارزش مناسکی و ساختار اسطوره‌ای آن مورد بررسی قرار گرفته است. می‌توان گفت که در پس هر کنش آیینی، یک معنا، یک هدف و یک عملکرد نهفته است و آیین، نقش ارتباطی میان نیت، معانی ضمنی و ساختار اجتماعی ایفا می‌کند. این کنش‌های آیینی، نه فقط داده‌های باارزشی را از دیدگاه‌های فرهنگی فرد و دنیای او دربرمی‌گیرند، بلکه بیانگر رابطه عمیق بیناذهنی مخاطبان متعدد هستند و همیشه رمزگویی، بخشی از این کنش‌هاست. در واقع نوروز دریا، یکی از آیین‌هایی است که با اشکال مختلف کنش، که در پرده‌ای از ابهام قرار دارند، شناخته می‌شود، به این ترتیب، شناخت و رمزگشایی از این نمادهای آیینی باعث شناخت دقیق کنش‌ها و رابطه آنها با قدرت‌های موجود می‌شود. توجه به ساختار مناسکی آن نشان می‌دهد که این آیین چیزی جز بازتاب اسطوره نیست و این بازتاب، با نمایش نمادین و رمزگونه، در هر دوره‌ای انسان را به آغاز آفرینش پیوند می‌زند. توتم و محرومیت‌های جاری در آیین نوروز دریایی نیز علاوه بر نمایش نمادین فرهنگ اقوام و تأثیر اقلیم بر معیشت آنان، بخش عمده‌ای از حیات دینی و باورهای مردم سلخ را نیز تبیین می‌کند. تلقی آیین از مفاهیم توتم و تابو در نشان دادن پیوند حیات تاریخی و زمان عینی آن با عهد اسطوره و زمان ذهنی آن است، که با اندکی تفاوت در اجراها با سایر آیین‌های مشابه در اقوام مختلف چیزی جز تأکید بر تحقق بخشیدن به مشیت الهی نیست. علاوه بر تاریخی بودن نزاع بین خیر و شر و اسطوره‌های اهریمن و اهورامزدا، انسان با اختیاری که در گرایش به این دو دارد در فراهم آورد بستر تاریخی برای نشان دادن هر آیین، مؤثر و مسئول است.

آیین نوروز دریا، اهمیت بسیاری برای تمامی گروه‌ها و ساکنان این جزیره دارد، چرا که ضمن تثبیت موقعیت و جایگاه مسئولان دریایی منطقه آزاد از نظر تخصیص امکانات بیشتر به روستا و جذب گردشگر؛ برای مردم روستا نیز اعم از زن، مرد و کودک، فرصت برگزاری جمعی این آیین بومی را فراهم می‌آورد. در این روز، مردان با بازی‌های مختلف اعم از شنا، طناب‌کشی، قایق‌سواری و... نیروی فردی و قدرت

بررسی ساختار مناسکی آیین نوروز دریایی در روستای سلخ جزیره قشم ❖ ۷۷

جمعی را به نمایش می‌گذارند و زنان با شرکت در مسابقه پخت انواع غذا، اقتدار خود را در اداره خانه و خانواده به عنوان یک زن نشان می‌دهند. کودکان نیز در این روز بدون هرگونه کنترل از سوی والدین، می‌توانند آزادانه در کنار دریا به جست‌وخیز و بازی‌های خود بپردازند.

منابع

- آیزمن، لئاتریس (۱۳۹۵). روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها (پیتون). ترجمه روح‌الله زمزمه، تهران: بیهق.
- ابن ماجد، شهاب‌احمد (۱۳۷۵). الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد. آیین‌های دریانوردی کهن در اقیانوس هند و خلیج فارس، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- افشار مهاجر، کامران (۱۳۷۹). «حضور نمادها در هنر هاب سنتی ایران». هنرنامه (فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه هنر). بهار، سال سوم، شماره ۶، صص ۶۳-۵۱.
- اقتداری، احمد (۱۳۸۱). صید مروارید. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۹). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). جستاری چند در فرهنگ ایران. تهران: فکرروز.
- توسل‌پناهی، فاطمه (۱۳۹۱). توت‌م و تابو در شاهنامه. تهران: ثالث.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۷۹). «رمزگشایی یک آیین». کتاب ماه هنر. بهمن و اسفند ۱۳۷۹، شماره ۲۹ و ۳۰، ص ۷۱.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۳). صور بنیانی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۶). دریانوردی ایرانیان. جلد اول و دوم، تهران: جاویدان.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۶). آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز. تهران: آگاه.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). «ترجمه و نقش آن در فرایندهای جذب و طرد» منشأشناسی نظریه و عمل». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. شماره ۱، بهار، صص ۱۵۳ - ۱۶۱.

۷۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی (۱۳۸۱). **صید مروارید (المناص فی احوال الغوص و الغواص)**. به تصحیح احمد اقتداری، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- صالحی، امید (۱۳۸۸). «تصاویری از یک آیین بومی». **مجله سرزمین من**. شماره ۴، ص ۳۹.
- قرسو، مریم (۱۳۸۶). «یک نمایش موسیقایی منحصر به فرد: بازی شوشی در جزیره قشم». **فصلنامه موسیقی ماهور**، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۷۵-۹۴.
- «آشنایی با آیین نوروزی کوسه ناقلی در استان مرکزی» (۱۳۹۸). در پایگاه خبری **همشهری آنلاین** به آدرس: <https://www.hamshahrionline.ir/news/> (تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۵/۲۴).
- بارکار، محمد (۱۳۹۸). در سایت شخصی به آدرس: <http://mbarkar.com> (تاریخ بازیابی: ۱۳۹۸/۸/۲۱).
- متین، پیمان (۱۳۹۲). **مردم گیاه، گیاهان آیینی در فرهنگ و فولکلور ایران**. تهران: فرهامه.
- مختاریان، بهار؛ واعظ شوشتر، تهمنه (۱۳۹۶) «تحلیل ساختاری آیین‌های اسب چوبی و کوسه برنشین در ایران و پیوند آن با آیین‌های فرهنگ هند و اروپایی». **پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران**، دوره ۷ شماره ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۰۳.
- معین، محمد (۱۳۳۸). **مزدیسنا و ادب پارسی**. تهران: دانشگاه تهران.
- نوربخش، حسین (۱۳۵۸) **بندرلنگه در ساحل خلیج فارس**. بندرعباس: اداره کل فرهنگ و هنر هرمزگان.
- نوربخش، حسین (۱۳۷۶). **ایرانیان دریانورد، پیشگام و نوآور در دریاها**. تهران: کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی دین**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.